

امپریالیسم جهانی که هم اکنون تمام جهان را در یک جنگ فرساینده سوم ولی مرموز جهانی فرو برده است همه روزه در جستجوی زمینه های جدیدی برای یورش بالای داشته های پر اهمیت اقتصادی مردم در سراسر جهان است. این نظام انتقامجو و دد منش کوشش دارد تا از طریق اشتها های پلید و بی مفهوم سرمایه ها و تحصیلکرده ها را از کشور های شان فراری ساخته و این کشور ها را در گرو تعدادی از نوکران حلقه آستانبوس شان بگذارند. برای این جوانان تحصیلکرده منابع سرشار کشور به مصرف رسیده تا به این اندوخته ها دست یافته اند و بالاخره به برداشتن این گام مجبور ساخته میشوند. ایجاد باند های آدمکش در سراسر جهان زیرنام های القاعده، طالب، لشکر طیبه، ... و در نهایت دولت اسلامی همه و همه کار سازمانهای جاسوسی سی. آی. ای- سائر سازمانهای جاسوسی کشور های غربی وناتو و در انتها سازمانهای جاسوسی اسرائیل، پاکستان بخصوص آی. اس. آی، ایران و همه همدستان منطقوی شان- است. ضرور است تا وطنپرستی را در صدر مسائل نگاشت و تسلیم تذویر خفاشان نشد.

از منابع آلمانی
برگردان: داؤد اسعد
۱۶،۰۱،۲۰۱۵

هفتم جنوری ادامه یازدهم سپتامبر؟



هنوز کشته شده های پاریس بخاک سپرده نشده بودند که نویسندگان و ژورنالیست های همه قماش ها در آلمان انتخاب موضعگیری کردند: ما همه چارلی هستیم. ما ژورنالیست ها ازین به بعد نیز با پذیرش خطر جانی بخاطر آزادی بیان، واقعیت و دفاع از ارزش های دموکراتیک در اروپا مبارزه خواهیم کرد. گذشته از همه همین هاست گفته های مدیر مسوول روزنامه هندلسبالات. آمر کانسن اشپیرینگر آقای دوپفتر روز هفتم جنوری- روز جنایت های پاریس- را به یازدهم سپتامبر جدیدی که آغاز "مبارزه علیه تروریسم" در وجود حمله وحشیانه بر مرکز تجارت جهانی در نیویارک بود نامگذاری کرد. همه مردان هیئت تحریر اشپیگل عقب نیروی مادرانه یی قرار گرفتند که شعار: "من چارلی هستم" را بلند نگهداشته بود.

باز هم توهم و جنون رسانه های آلمانی

به قول از زیود دویچی سایتونگ "ما چارلی هستیم" به "سمبول تهدید شهروندی و سیستم حقوقی-دموکراتیک در کلیت" مبدل شد. بسیاری از انسانها این شعار را به دلیل ارجگذاری بلند نگهداشتند. تعدادی هم بخاطر آن این عمل را انجام دادند که میخواهند آزادی بیان را محدود سازند و انسانها را از حلقات حقوقی و همپیوندی تجرید نمایند. تعداد دیگری به گونهٔ مثال مجلهٔ اشپیگل از "تهاجمی بالای جمهوری، بالای ارزشهای روشنگرانه و ارزشهای انقلاب فرانسه" سخن میگویند و مصروف آن اند تا زنگهای یازدهم سپتامبر فرانسوی را با فصل جدیدی از "مبارزه علیه تروریسم" به صدا درآورند که طی آن همین ارزشها کاملاً بی اهمیت خواهند بود.

ضرور است تا سه سوال زیر را طرح کرد:

۱. آیا چارلی ایبدو چیزی است که بخاطر آزادی بیان مسوول پخش ارزش های روشنگرانه باشد؟
۲. چه چیزی را میتوان از مبلغان "من چارلی هستم" در رسانه های بزرگ آلمانی توقع داشت؟ آیا درینجا وظیفهٔ ما روشنگری است و یا عکس آن؟
۳. چه چیزی در پی تهاجم جدید اعلام شده در "مبارزه علیه تروریسم" در برابر ما قرار دارد.

چارلی ایبدو- کاریکاتور های چپی در خدمت کینه توزی راستگرایان با بیگانه ها

به قتل رسانیدن ۱۲ تن اعم از مسوولین شعبات، نقاشها و پرسونل محافظ و خدماتی چارلی ایبدو یک افتضاح است. این عمل در واقعیت بوسیلهٔ هیچ امری قابل توجیه و یا کم بها دادن نیست. بایست از همه امکانات استفاده کرد تا از افتضاح های مشابه جلوگیری بعمل آورد. ولی این امر به معنی آن نیست که کیفیت هومانیتی کارکرد های چارلی ایبدو را نادیده گرفت. این امر حد اقل درخور توجه است. کاریکاتور های شان در رابطه با اسلام معمولاً سد افزا است. حضرت محمد با بینی دراز و چهرهٔ مضحک و با اظهارات احمقانه و کنایه وارث به استهزاء گرفته میشود. استدلال مدافعان این شیوهٔ برخورد بیشرمانه چنین است که چارلی ایبدو این عمل را طور متداوم با همه ادیان انجام میدهد. ولی تفاوت شدیدی درین زمینه به مشاهده میرسد که یک مجله تعرض و استهزاء را بالای دینی مجاز نمیشمارد که تا حدود زیادی تعمیل قدرت سیاسی را در دست دارد و بر خلاف آنرا متوجه اقلیتی میسازد که دشمنان غریبهٔ آن فقط در انتظار تکانه یی در برابر دشمن منفور شان هستند. البته بیجا نبود که پگیدا(۱) توانست گردهمایی سوگوارانه یی را برای قربانیهای چارلی ایبدو با شرکت بیش از ۲۵۰۰۰ نفر

سازماندهی کند. همراه با قربانیها به سوگواری پردازد و احساس نفرت واحد شان را در برابر انتقاد کننده های طنز گونه کاریکاتور های اسلامی تبارز دهند. البته این همبازی ساختن طنزی که روشنگرانه تصور میشود با تبلیغ لجام گسیخته نیرو های دست راستی نه شامل پلان طنز پردازان بوده و نه به آن توجه یی داشته اند. و اما این یک واقعیت است.

در رابطه با طنز در برابر اقلیتها بایستی تصورات زیرین را در نظر داشت: در آلمان ممکن است مجله ها یهود ها را فقط به صفت افراد چنگ بینی و فیگور های حیرت زده عرضه نمایند که دست بالای کامپیوتر های بانکها و تلفون دارند و یک گروهی از کودکان بیگناه هستند. اینها همه بازگوی شیوه همگون زمان نازیها اند. انجمن فرهنگی اسرائیل علیه چنین "روشنگری" قدعلم خواهد کرد. و پیوستن به این عمل را حق دارند و امید میکنم که همه دموکراتها پشتیبان آنها باشند. بناءً بایست برای اقلیت مسلمان ها نیز این شیوه رعایت گردد. چاپ رومان نویسنده فرانسوی میشل هیولبک بنام "شکست" در بحبوحه حوادث هفتم جنوری با وجودی که اسلام را از جمله مسخره ترین ادیان بررسی میکند و باید منسوخ پنداشته شود ولی دموکراتها نباید اصل تساوی حقوق را از نظر دور داشته باشند.

رسانه های آلمانی: ما چارلی هستیم. چه شوخی یی!

موضعگیری رسانه های آلمانی در جایگاه برادران و خواهران آرمانی چارلی چیزی جز تفرقه افگنی نیست. هرالذ نویبر در همان نبشته یی که از آن نقل قول کردیم موارد زیر را روشن میسازد: موصوف حوادث پاریس را به صفت "حمله بر آزادی" توصیف کرد. و اما شبکه رادیو تلویزیون محلی غرب آلمان (۲) ویدیو موزیک کارولین کیبیکوس را غرض پخش در برنامه انتقادی کلیسا "طفره رفتن آقا" (۳) در اواسط سال ۲۰۱۳ شدیداً سانسور کرد. روزنامه برلین که خودش را همپراز چارلی می پندارد سانسور کردن طنزنگار شهر کولن را چنین به تبصره میگیرد: "جان مطلب در آن نیست که این ویدیو از جانب شبکه رادیو تلویزیون محلی غرب آلمان تفتیش گردیده است. جان مطلب در آن نهفته است که شبکه رادیو تلویزیون محلی غرب آلمان در همه حال اجازه چنین برنامه یی را برای کارولین کیبیکوس داده است".

نتیجه گیری های نویبرس: "اکثریت ژورنالیست ها ومسوولین شعبات رسانه ها که ورقی را با نوشته "من چارلی هستم" در برابر کمره ها بلند میکنند در گذشته انتشار کاریکاتور های این مجله را مردود دانسته بودند". باید علاوه کرد: ممکن این کاریکاتور ها علیه شخصیتها و محتویات مذهبی ترسایی ها قرار داشت.

"رسانه های طراز اول" ما همزمان خود آگاه برای قدرتمندان امپراتوری "ارزشهای ترسایبی کشور های اروپایی" میباشد که مسوولان شان خود بخشی از نخبه های آنان هستند. مصداق این مدعا آنست مدیران بخش سیاست خارجی روزنامه های زیود دویچی سایتونگ (کونیلیوس) فرانکفورتر الگیمینی سایتونگ (فرانکنبرگر) ویلت (اشتورمر) و سایت (یوفی) متعلق به شبکه نخبه های ترانس اتلانتیک هستند. بدین ترتیب موضعگیری های آنان نیز در رابطه با جهانی است که هر چه بیشتر دچار مخاطره شده و خواهان فعالیت های بیشتر از پیش ناتو است (مقایسه کنید با هووی کریوگر: قدرت دیدگاه منتشره کولن ۲۰۱۳) و متکی بر آن هم تهمت بندی ها بالای اسلام که منبع اساسی خطر برای صلح بین المللی تعریف شده است. حوادث پاریس برای این مبلغان آب ریختن در آسیاب سیاست داخلی و خارجی شان است که روز تا روز تشدید بیشتر مییابد.

هفتم جنوری: موج جدیدی در "مبارزه علیه تروریسم"

یکی از تصاویر مضحک "پاریس پایتخت جهانی" بیانگر صف بندی رؤسای حکومت ها و دولتها در "نخستین مظاهره علیه تروریسم" است. در صف اول اندکی جدا از رئیس جمهور فرانسه هولاند رئیس حکومت اسرائیل نیتنیا هو راه پیمایی میکند. یکی از مسلمان های فرانسه در زمینه جمله واردی را فورمولبندی کرد: "شما یک روز چارلی هستید و ما همه روزه غزه هستیم". زیود دویچی سایتونگ می نویسد که به مسوول اصلی ترور روزانه علیه صد ها هزار فلسطینی اجازه داده میشود تا در پاریس در نقش قربانی ترور و در عین حال انتقامجو عرض وجود نماید که طبعاً محراق توجه هم همین اصل است. موج جدید "مبارزه علیه تروریسم" از پاریس آغاز می یابد آنهم هفتم جنوری در جایگاه یازدهم سپتامبر. ببینیم بعد از سال ۲۰۰۱ چه چیز هایی به وقوع پیوست!

عراق بوسیله ایالات متحده آمریکا و "همدستان مصمم" مورد حمله قرار گرفت. صدها هزار به قتل رسیدند. حملات به افغانستان صورت پذیرفت. صدها هزار به قتل رسیدند. سوریه از هم متلاشی گردید. صدها هزار به قتل رسیدند. شبکه نظارتی گسترده بوسیله ان.اس.ای. جهان را زیر چتر گرفت. حفظ حریم خصوصی و حفاظت زمینه های کار سیاسی مفاهیم کاملاً منسوخ در عرصه زنده گی ما شدند. "بیگ برادر" (۴) و "بیگ گن" (۵) واقعیت های زنده گی شدند- راه حل معضله ها فقط با استفاده از سلاح جستجو میشود. چه چیزی انتظار ما را بعد از "هفتم جنوری" دارد؟

هندلسبلات ارگان مرکزی نخبه های اقتصادی آلمان بعد از هفتم جنوری "مانیفست آزادی" را به نشر سپارید. این سند حاوی ۱۱ ارزش براننده است که هم اکنون پراهمیت اند میباشد. در سند گفته میشود که "اروپا مجبور نیست تا فقط از واحد پولی مشترکش بلکه از همه ارزشهای مشترکش نیز حراست نماید". و در فرجام گفته میشود: پیشرفت اقتصادی ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا رابطه اساسی با حراست حقوقی از مالکیت دارد".

ما بایست منتظر کینه توزی علیه مهاجران و مسلمانان و همچنان در آینده نزدیک علیه یونانیها بوده و انتظار جنگهای جدیدی را در هر کجایی که ضرورت افتد (شاید هم در افریقا!) ساقط نسازیم که باعث قربانی بیشتر از میان تهیدستان و آواره گان خواهد شد. در واقعیت این اصل صادق است: "حراست حقوقی مالکیت".

بهمین منظور میگوییم: **من چارلی نیستم!**

۱. PEGIDA, ۲. WDR, ۳. Gott, ۴. Big Brother, ۵. Big Gun